طرح مسأله «خانواده» از منظر سبك زندگي

22 شهريور 1394

# مسأله اول: ابتناء خانواده بر نياز فردي، يا نياز جامعه؟

## پرسش اول

تشكيل خانواده مبتني بر نيازهاي فردي افراد ضرورت مي‌يابد، يا تشكيل جامعه و كسب هويّت اجتماعي‌ست كه فرد را ملزم به تشكيل خانواده مي‌نمايد؟

### توضيح

معمولاً دلايلي كه براي ازدواج و تشكيل خانواده طرح مي‌گردد جنبه فردي دارند؛ بقاي نسل، نياز به سكون و آرامش و امنيت رواني، اطاعت از پروردگار و تكميل دين. آيا فراتر از اين نگاه فردي، دلايل اجتماعي و مبتني بر جامعه‌پذيري فرد مي‌توان يافت تا ضرورت تشكيل خانواده را توجيه نمايد؟

## پرسش دوم

در صورتي‌كه كاركرد خانواده «بقاي نسل» توصيف شود، آيا با اتمام وظيفه خانواده، يعني رسيدن به نرخ جايگزيني، كاركردهاي خانواده به اتمام مي‌رسد؟

### توضيح

اگر آن‌طور كه معمول اَسناد توصيفي در باره خانواده بيان مي‌نمايند، كاركرد اصلي آن توليد فرزند باشد، تا نسل بشر باقي بماند، خانواده در چند سال ابتدايي تشكيل مي‌تواند سريعاً به هدف مورد نظر دست يابد. در اين صورت دوام آن توجيهي ندارد و از نظر منطقي قابل استدلال نيست دو نفر كه فرزندان خود را تحويل جامعه داده‌اند همچنان به زندگي خانوادگي ادامه دهند. آيا مي‌پذيريم كه در اين شرايط خانواده بدون كاركرد شده است؟

## پرسش سوّم

اگر كاركرد خانواده تا زمان بقاي مؤسسين آن ادامه دارد، چه سازوكارهاي اجتماعي ضامن تحقق اين كاركردهاست؟

### توضيح

معمولاً بيان مي‌شود كه بزرگان خاندان همچنان تا زنده هستند راهنماي اعضاي خانواده بوده و بر مبناي ريش‌سفيدي، به حل مشكلات مبادرت مي‌ورزند. امّا از منظر حقوقي به نظر مي‌رسد هيچ سازوكار قانوني براي اعمال اين توانمندي در نظر گرفته نشده است و اين قابليت تنها يك مسأله اخلاقي و عرفي باقي‌مانده. اين وضعيت احتمالاً در آينده جامعه مدرن چندان دوام نياورده و به دليل عدم حمايت اجتماعي، تقريباً از كار خواهد افتاد.

### رويكرد اسلام

دين مبيّن اسلام امتيازات ويژه‌اي به بزرگان خانواده داده است؛ مثلاً در حكم قتل، اگر قاتل پدري باشد كه فرزند خود را به قتل رسانده، قصاص منتفي‌ست. يا رباي حرام را در نسبت‌هاي خاصّي درون خانواده حلال اعلام كرده. آيا مي‌توان اين رويكرد را به نظام سياسي تسرّي داد، به اين‌كه مثلاً اگر فردي قصد نامزدي براي انتخابات داشت، بايد تأييديه از بزرگ خاندان خود ارائه نمايد، يا در نظام اقتصادي، بانك همراه با درخواست وام، ضمانت رئيس خانواده را مطالبه نمايد؟

# مسأله دوم: خانواده چگونه مي‌تواند سلول جامعه باشد؟

## پرسش اول

آيا وقتي سخن از سلول جامعه بودن خانواده مي‌رانيم، اين صرفاً يك شعار است و جنبه انگيزشي براي تحريك جوانان به ازدواج دارد؟

### توضيح

رهبران و مديران هر نظامي قطعاً در پاره‌اي موارد براي افزايش انگيزه‌هاي فردي و اجتماعي شعارهايي را بيان مي‌نمايند كه جنبه «انشاء» و نه «خبر» داشته، لذا صدق و كذب‌شان با كاركرد و تأثيري كه مي‌نهند سنجيده مي‌شود و نه با مطابقت با واقعيت و نفس‌الامر. مانند گزاره: «از دامن زن مرد به معراج مي‌رسد». مي‌دانيم كه مثال‌هاي نقض تاريخي و اجتماعي براي اين گزاره وجود دارد، ولي جنبه انشائي داشتن آن، توقع مطابقت صددرصد با واقعيت را از ميان مي‌برد. آيا «سلول جامعه بودن خانواده» از سنخ گزاره‌هاي انشائي‌ست، يا خبر از يك واقعيت است؟

## پرسش دوم

جامعه كاركردهاي گوناگوني دارد؛ سياسي،‌ امنيتي، فرهنگي، اقتصادي و… اگر خانواده سلول جامعه باشد، آيا تمامي كاركردهاي جامعه نيابد متناظري درون خانواده بيايد؟

### توضيح

وقتي «بنگاه» را سلول نظام اقتصادي مي‌دانيم، يعني كاركرد اصلي نظام اقتصادي كه توليد كالا يا خدمات براي كسب منفعت و سود است، در تك‌تك بنگاه‌ها تأمين مي‌شود، فارغ از اين‌كه اين بنگاه تنها يك كارمند داشته باشد، يعني خويش‌فرما باشد، يا يك شركت چند مليتي با ده‌ها هزار كارمند از كشورهاي مختلف. اكنون خانواده چگونه كاركردهاي نظام‌هاي اجتماعي را برعهده مي‌گيرد؟ آيا وقتي شخصي رئيس جمهور مي‌شود يا وزير يا وكيل، به معناي اين است كه خانواده او اين نقش را پذيرفته است و در اين امر با او مشاركت دارد؟ يا كاملاً اينديويژوال و فردمحور به اين مسأله نگاه مي‌شود؟

## پرسش سوّم

خانواده در جوامع سنّتي نقش پررنگ‌تري داشت، آيا با معرفي آن به عنوان سلول جامعه، قصد بازگرداندن كاركردهاي گذشته را با همان سبك و سياق داريم؟

### توضيح

مدرنيته شرايطي فراهم آورده كه تركيب‌هاي سنّتي منابع انساني را غيركارآمد و ناتوان ساخته است. در رقابت سياسي، فرهنگي، فن‏آوري، تجاري، پژوهشي، اقتصادي و… جهاني بازگشت به وضعيت‌هاي سنّتي عملاً خارج شدن از ميدان رقابت و واگذار كردن ميدان به رقيب است. آيا غرض اين است، يا اين‌كه سازوكارهاي جديد و شاكله نويني براي خانواده طراحي كنيم كه بتواند فرامدرن عمل نموده و ضمن دور بودن از آسيب‌هاي مدرنيته و فردگرايي، بتوند كاركردهاي امروزين مورد نياز جامعه را تأمين نمايد؟